



## یک برنامه تلویزیونی در جمهوری آذربایجان مطرح کرد؛ چالدران جنگ بی اهمیتی بود!!!

شبکه تلویزیون اینترنتی «آپا تی وی» در جمهوری آذربایجان، تولید و پخش برنامه جدیدی را برای بازگویی و تحلیل تحریف آمیز تاریخ آغاز کرد که در نخستین قسمت از این برنامه با عنوان سلسلی تاریخ، (تاریخ گویا)، ضمن تحریف تاریخ جنگ چالدران میان دولت ایران عصر صفوی و امپراطوری عثمانی، تاکید شد: «این جنگ چه ربطی به ایران داشته است؟!»

به گزارش **آران نیوز** به نقل از رسانه های آذری، کرم محمدلی، کارشناس تاریخ و مجری این برنامه، در نخستین قسمت از برنامه «سلسلی تاریخ» با متهم کردن مورخان ایران به تحریف تاریخ، جنگ چالدران را در تاریخ صفویه بی اهمیت دانست و گفت: «تاریخ این جنگ در زمان حکومت کمونیستی شوروی به منظور ایجاد اختلاف میان باکو و ترکیه، مورد مبالغه قرار گرفته است. در زمینه مبالغه گویی درباره جنگ چالدران، تاریخ نگاری ایران نیز «خدمات» بزرگی دارد.»

کارشناس-مجری این برنامه گفت: «تاریخ نگاری ایران تاکید می کند که در جنگ چالدران، دولت ایران پایه گذاری شد. اما، این جنگ چه ربطی به ایران دارد؟ این جنگ، یک درگیری بی اهمیت میان دو سلسله ترک بوده است.»

در این برنامه تلویزیونی که به اصطلاح به رد «ده افسانه ساختگی» درباره جنگ چالدران اختصاص دارد، مجری این برنامه تلاش کرد شیعه بودن صفویه را بی اهمیت جلوه دهد.

کارشناس-مجری این برنامه در نتیجه گیری و جمع بندی برنامه گفت: هدف از اغراق در خصوص ماهیت جنگ چالدران، سرد کردن مناسبات میان جمهوری آذربایجان و ترکیه است و این، یک دروغ ایدئولوژیک است.

اما یک جواب و یک توضیح ....

صفویان در پی فعالیت و سازمان دهی فرهنگی در طول دو سده بر اساس تعالیم صوفیانه و شیعی توانستند با حمایت قزلباش ها حکومت صفوی را در ایران پایه گذاری کنند و در پی فشارهای عقیدتی عثمانی بر علویان، صفویان با گردآوری و پناه دادن به آن ها به ویژه به نیروهای «ینی چری» نیروی نظامی توانمندی تشکیل دادند. قدرت گرفتن یک دولت مستقل شیعی مذهب و متعصب در ایران امپراطوری عثمانی را که قصد حمله نهایی جهت تصرف اروپا را داشت از سوی شرق نگران ساخت و لشکرکشی به سمت ایران را موجب شد که این جنگ در دشت چالدران روی داد.

شاه اسماعیل نیز به خوبی از این امر آگاه بود و در نامه ای به سلطان عثمانی این مطلب را که بسیاری از مردمان ساکن سرزمین های عثمانی پیرو او هستند، به رخ وی کشیده بود. بی شک دوام حکومت سنی مذهب عثمانی بدون محدود یا نابود کردن این روند با مشکل مواجه می شد. به گفته برخی مورخان اگر در جنگ چالدران شاه اسماعیل به پیروزی می رسید به قدرتی فراتر از تیمور دست می یافت و بی شک گسترش تشیع صفوی، امپراطوری عثمانی را که تازه در ابتدای کار بود از صفحه روزگار محو می کرد.

در هر حال بررسی خلاصه روند جنگ چالدران نشان می دهد که این نبرد، نه یک درگیری ساده بین دو طایفه ترک، بلکه یک جنگ تمام عیار بین ایران صفوی با عثمانی ها بود بطوری که برخی نقل کرده اند حتی زنان ایرانی نیز که به اهمیت جنگ پی برده بودند و از طرفی نیز تعداد بالای سربازان دشمن را می شنیدند لباس مردان را پوشیدند و به میدان جنگ چالدران شتافتند و جالب اینکه بعد از شهادت ایشان، سلطان سلیم عثمانی نیز به پاس خوی مردانگی و پایداری آنها دستور داد تا جنازه های این بانوان با احترام نظامی تشییع و تدفین شوند.

در هر حال طرح موضوع «چالدران و نقش ایران در آن» از نظر نگارنده به اصطلاح اظهر من الشمس است اما چرا آذربایجان سعی دارد تا به تحریف تاریخ منطقه ادامه دهد؟

تا امروز دولت باکو سیاست مصادره مطلوب تاریخ را در پیش گرفته بود و امروز نیز سعی دارد تا با پاک کردن نام ایران از برخی مسلمات تاریخی در منطقه، در ادامه نیز همین عناوین را به نام خود ثبت کند.

به عنوان مثال بعد از شبهه افکنی تلویزیون دولتی آپا، آکادمی ملی علوم جمهوری آذربایجان اعلام کرد: «برای نخستین بار، نمایشگاه «شاه اسماعیل اول؛ حاکم و فرمانده» را برگزار کرده و فعالیت های نظامی و دولتمداری شاه اسماعیل اول، به عنوان یکی از چهره های برجسته تاریخ آذربایجان را در معرض دید خواهد گذاشت.

دست اندازی برخی از علمای تاریخ در آذربایجان تا جایی پیش رفته که به راحتی روزی ادعا می کنند که نادر شاه و آقا محمدخان اصلا به عنوان پادشاهان ایرانی نبوده اند و امروز نیز ادعا می کنند که ایران در جنگ چالدران محلی از اعراب نداشته و این جنگ بین دو طایف ترک! روی داده است.

حال نکته جالب اینکه این به اصطلاح مجری و کارشناس در حالی ادعا می کند «ماهیت جنگ چالدران، سرد کردن مناسبات میان جمهوری آذربایجان و ترکیه است» که در زمان جنگ چالدران اصلا کشوری به نام آذربایجان وجود خارجی نداشته است و اگر احیانا به تیپ صلح و دوستی فعلی دولتین ایران و آذربایجان برنخورد باید بگوییم که آذربایجان یک کشور کوچک چند دهه ای است ولی مدام تلاش می کند تا پیشینه دولتمداری برای خود کشف کند. تا کنون یک معاهده بین المللی (پیش از ۱۹۹۰) به نام کشور یا پادشاهی آذربایجان، امضا نشده است و همین خود نشان از پنداربافی سبک از تاریخ نویسی دارد.